دایره فهرست نویسی

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

 تیرماه93

مدرسه مروی

شناسنامه:

مکان مصاحبه: سالن اجتماعات مدرسه مروی

تاریخ جلسه:

پیاده ویراست: کارگروه مروی

ویراست مجدد: مجید گودرزی

فهرست:

تاریخ فهرست نویسی:

صفحه آرایی و طرح جلد:

بسم الله الرحمن الرحیم

تعریف مفهومی موضوع انتقال به صورت ساده عبارت از این است که در هر مرحله، انقلاب با یک مانع خاص و بزرگ روبرو می باشد که باید مجموعه­ی برنامه­ریزی­های مدیران انقلاب در آن مرحله، معطوف به حذف آن مانع باشد، یعنی می بایست بر موضوعی تأکید و توجه داشته باشیم که آن موضوع عامل حذف کننده­ی آن مانع در آن مرحله باشد. بهتر است با یک تمثیل موضوع را توضیح دهیم. انقلاب اسلامی مرحله ای است که در این مرحله فقهای شیعه اختیارات اجتماعی را به دست گرفتند، امّا آیا ضمانتی وجود دارد که تنها با در دست گرفتن اختیارات اجتماعی توسط فقها، کشور اسلامی شود؟ یا اینکه موانع دیگری هم در مسیر اسلامی شدن کشور وجود دارد؟ در صورت شناسایی  موانع و اولویت­های برنامه ریزی­های ناظر بر حذف موانع موجود در هر مرحله، به موضوع برطرف کننده آن مانع دست دست یافته و خواهیم توانست انقلاب را از آن مرحله به مرحله بعد انتقال دهیم. مانع مرحله اول یعنی مرحله انقلاب اسلامی چه بود؟ در بسیاری از انقلاب­های دنیا، انقلابی­ها توانسته­اند که اختیارات اجتماعی و قدرت اجتماعی را به دست بگیرند، اما به دلیل نداشتن الگوی جایگزین به جای نظام ساقط شده قبلی، آنها مجبور به استفاده از الگوهای موسوم دنیا شدند. مانع اصلی مرحله انقلاب اسلامی به عنوان اولین مرحله عدم تبیین الگوی جایگزین به جای نظام شاهنشاهی در این بود. در انقلاب اسلامی ایران فرض بر این است که مردم به امامت فقهای شیعه برای اقامه کلمه­ی اسلام انقلاب کردند. اگر امام خمینی تئوری تأسیسی خویش یعنی ولایت فقیه برای حکومت را سالها قبل به بحث و گفت و گوی علمی در حوزه نمی­گذاشت، در این مرحله یعنی پس از انقلاب قادر نبودیم که به مرحله بعدی انقلاب یعنی مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا کنیم.بنابراین یکی از کارهای اساسی امام خمینی برای زمینه سازی انقلاب مردم ایران، تبیین ولایت فقیه در حوزه علمیه نجف و جاهای دیگر بود. بحث حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه اجمالاً توسط علماء و فضلای حوزه درک شده و مردم آنرا اجمالاً قبول کردند. بر این اساس مردم درکی از جمهوری اسلامی به محوریت اسلام پیدا کرده و به سمت تعاریف التقاطی دیگر نرفتند. لذا علت انتقال انقلاب مردم ایران از مرحله­ی اول یعنی مرحله انقلاب اسلامی به مرحله بعدی یعنی مرحله نظام اسلامی، را می­توان وجود این درک از تئوری ولایت فقیه و جمهوری اسلامی و انتقال انقلاب از مرحله اول به مرحله نظام اسلامی دانست. اگر چنین درکی از تئوری ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات جمهوری اسلامی ایران برای مردم حاصل نمی­شد، ممکن بود که از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام دموکراتیک یا نظام التقاطی دیکری غیر از مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا می­کردیم. بنابراین می­توان اولویت­بندی حضرت امام خمینی در تعریف و تثبیت تئوری ولایت فقیه را علت انتقال انقلاب مردم ایران از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی دانست که با تبیین تئوری ولایت فقیه، اصلی­ترین مانع این مرحله؛ یعنی عدم درک از الگوی جایگزین، برداشته شد. پس از تشکیل نظام اسلامی به دلیل نو بودن این نوع از حکومت در دنیا، از سویی با خلاء کمبود کادر کارآمد برای اداره امورات جامعه و از سوی دیگر اجمالی بودن درک انقلابیون از چیستی نظام اسلامی و تئوری ولایت فقیه فقط به اندازه­ای که بشود وسیله­ی این درک برای حفظ موجودیت نظام اسلامی روبرو بودیم. حتی در خارج از کشور نیز هیچ درکی از چیستی و ماهیت نظام اسلامی وجود نداشت؛ به عنوان مثال زمانی که می­خواستند حکومتی را که در مقابل آمریکا قرار گرفته و مقاومت می­کرد را نام گذاری کنند، از اصطلاح ضد امپریالیسم استفاده می شد. حتی روشنفکران داخلی نیز نظام اسلامی را به عنوان ضد امپریالیسم معرفی می­کردند.بنابراین در مرحله نظام اسلامی با موانعی مانند فقدان نظام مفاهیم متناسب با تئوری ولایت فقیه و کادر کارآمدی که توانایی انجام حداقل مسئولیت های اساسی کشور را عهده دار شوند روبرو بودیم. مجموعه حوادث امنیتی ابتدای انقلاب و جنگ تحمیلی هشت ساله، باعث تربیت یک سری نیروهای انقلابی مطابق فرهنگ امام و انقلاب شد. مجموعه کارآمدی­هایی که در کوران ده­ ساله­ی انقلاب و جنگ علت ایجاد نظام مفاهیمی مانند فرهنگ ایثار و شهادت و ...،در جامعه و نهایاً تثبیت نظام اسلامی شد. نظام اسلامی تثبیت شد زمینه و مقدمه ساختارهای جامعه ایران را فراهم کرده و انقلاب از مرحله نظام اسلامی به مرحله­ی دولت اسلامی منتقل شدیم. بنابراین موضوع دفاع مقدس که به فرمایش امام خمینی در رأس امور قرار داده شد، مانع اصلی مرحله نظام اسلامی یعنی عدم توانمدی داخلی برای استقرار نظام و عدم تعریف شفاف از نظام اسلامی در عرصه بین المللی را مرتفع کرد .تا به اینجا گفته شد که در مرحله ی اول یعنی مرحله انقلاب اسلامی بوسیله­ی «تئوری ولایت فقیه»، مانع لیبرال دموکراسی و نوع نظام برداشته شد. به عبارت دیگر اگر تئوری ولایت فقیه قبل و بعد از انقلاب تبیین نمی شد، انقلاب مردم ایران در ابتدای کار خویش و پس از برخورد با مانعی به نام لیبرال دموکراسی به عنوان نوع رایج حکومت در دنیا به دلیل مخالفت این نوع از حکومت با ورود اسلام به عنوان مبنای ارزشگذاری در جامعه در مدل­های موجود منحل می گردید. بنابراین با تبیین تئوری ولایت فقیه، مانع لبیرال دموکراسی به عنوان یک نوعی از حکومت­های رایج در دنیا از مقابل انقلاب مردم ایران برداشته شد. پس از ورود انقلاب به مرحله نظام اسلامی نیز، با در رأس امور قرار گرفتن جنگ مانع نداشتن کادری کارآمد و مسلط بر روی مبانی انقلاب برداشته شد و نظام اسلامی تثبیت شد. پس از تثبیت نظام اسلامی، انقلاب به مرحله سوم خویش وارد شد. حال می­خواهیم مانع برنامه­ریزی های مدرن متأثر از مفاهیم توسعه غربی است به عنوان مانع اصلی مرحله سوم انقلاب را برداریم. بعضی ها اسلامی کردن ساختارها در مرحله­ی سوم اشتباه دانسته و به آن اشکال گرفته اند. ایشان معتقدند از مرحله­ی اول کار اسلامی کردن ساختارها در دستور کار نظام بوده است و برای آن تشکیل جهاد سازندگی و سپاه پاسداران را به عنوان شاهد مثال خویش معرفی می­کنند. در پاسخ باید گفت انقلاب در مرحله­ی دولت اسلامی قرار دارد. موضوع اصلی انقلاب در این مرحله توانمندسازی ساختارها، به صورت همه جانبه است. امّا در مرحله­ی نخست انقلاب توانمندسازی بخشی برای استقرار نظام در دستور کار انقلاب بوده است. نه اینکه در مرحله اوّل و دوم انقلاب صحبت از ساختارسازی نبوده است، بلکه اجمالاً مدیران و نیروهای انقلاب می­دانستند که ساختارها باید تغییر کند، امّا به این دلیل که نظام هنوز تثبیت نشده بود و درگیر یک جنگ جهانی همه جانبه بودیم، همه­ی توان کشور معطوف به حفظ نظام شده بود. در این مرحله حتی در صورت وجود ایده اسلامی سازی ساختارها، به هیچ وجه فضایی تفکر در مورد ترمیم ساختارها فراهم نبود. بنابراین به طور قطع و یقین می­توان آغاز مرحله­ی دولت اسلامی را پس از جنگ تحمیلی و مصادف با آغاز امامت اجتماعی امام خامنه­ای معرفی کرد.. اصلی­ترین مانعِ مرحله­ی سوم، برنامه­ریزی ضد مبنای انقلاب اسلامی می­باشد. این نحوه برنامه­ریزی در همه جای دنیا حکمفرماست. در ادامه به شرح مفاهیم و فضای حاکم بر این نوع برنامه­ریزی می­پردازیم. «توسعه غربی» یعنی مجموعه مفاهیمی که منجر به برنامه­ریزی مدرن می­شود. پس برای عبور از مرحله فعلی باید محور برنامه­ریزی و فعالیت­های نیروهای انقلاب حذف این مفاهیم قرار داده شود. شروع حذف این مفاهیم از نقد توسعه و شروع تولید الگوی اسلامی پیشرفت از نقد توسعه غربی می باشد. اولویت­دهی برنامه­ریزی­های کشور برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی منجر به عبور انقلاب از مرحله­ی دولت اسلامی به مرحله­ی جامعه اسلامی خواهد شد. عدم توجه به اولویت دار بودن مسئله تولید الگوی پیشرفت اسلامی به صورت همگانی، مساوی با عدم انتقال انقلاب از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی ست. از این رو حضرت آیت الله امام خامنه­ای در آغاز امامتشان به طرح و تأکید بر مفاهیمی مانند عزت،حکمت، مصلحت، عدالت و .. تاکید اقدام نموده و در حال نقد مفهوم توسعه به صورت مسئله محور می­باشند. بنابراین تقریر اوایل انقلاب به هیچ عنوان فضای طرح ضدیت مفهومی توسعه با عدالت و نیاز به ساختارسازی همه جانبه اسلامی وجود نداشته است. البته به صورت مسئله محور و بخشی در همان زمان این کار انجام می شده است. به طور مثال حضرت آیت الله امام خامنه­ای بر روی یک سری شاخص­ها مانند عدالت تاکید می­کردند و موفق به زنده نگه داشتن این شاخص نیز گردیدند. پس از حفظ این شاخص­ها بود که زمینه به سمت ایجاد درک درباره ضدیت توسعه با مبنای اسلامی آماده شد. علیرغم تأکیدات فراوان حضرت آیت الله امام خامنه­ای بر مسئله عدالت و نقد توسعه غربی هنوز عده­ای به دنبال دولت توسعه گرا هستند و بزرگ­ترین انحراف را، انحراف از توسعه می­دانند. پس از ورود به مرحله ی جامعه اسلامی، آهسته آهسته باید به مرحله ی تمدن اسلامی انتقال پیدا کنیم؛ موضوع انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله تمدن اسلامی نیز «بانک اطلاعات اسلامی» می­باشد. بانک اطلاعات اسلامی، به صورت اجمالی ایجاد شبکه­ی گسترده­ی پژوهشی برای پاسخ­دهی به مسائل مشکلات متقاضیان خارجی الگوی پیشرفت اسلامی تولید شده در ایران، مبتنی بر مفاهیم الگوی اسلامی ایران می باشد. یکی از راه­های کسب درآمد ارزی کشور صادرات علم و پاسخ به مشکلات دیگر کشور در بومی سازی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی متناسب با شرایط اقلیمی آنها می­باشد. به عبارت دیگر بانک اطلاعات اسلامی یعنی انتقال همه­ی بخش­های دنیا مبتنی بر شرایط بوم و تناسب ظرفیت­شان با بینش اسلامی به مرحله تمدن اسلامی بوسیله­ی ایجاد یک شبکه­ی پژوهشی، آموزشی خاص ، علت انتقال از مرحله­ی جامعه اسلامی به مرحله­ی تمدن اسلامی می گردد. تعریف چهار موضوع انتقال در نقشه­ی راه الگوی پیشرفت به عنوان موضوعات مهمی که همیشه در هر مرحله در رأس امور است. در صورت عدم توجه به موضوعات انتقال در هر مرحله علاوه بر خطر عدم انتقال به مرحله بعدی انقلاب، یک خطر دیگر به نام زمینه سازی بازگشت به مرحله­ی قبل را متوجه انقلاب خواهد کرد. به عنوان نمونه در فتنه­ی سال هشتاد و هشت، به موضوع انتقال مرحله­ی اول یعنی ولایت فقیه حمله شد و قصد نابودی موضوع انتقال مرحله­ی اول را داشتند تا جایی که به فکر تغییر نوع حکومت افتادند. چنین اتفاقی به دلیل بی توجهی به موضوع انتقال مرحله سوم یعنی مرحله دولت اسلامی روی داد. بنابراین اگر در برنامه­ریزی­هایمان به توسعه­ی غربی حمله کنیم، دشمن مجبور به مقابله در آن بخش شده و دو جبهه­ی فتح شده یعنی مراحل قبلی طی شده­ی انقلاب، حفظ خواهد شد.از این رو کسانی توانایی دفاع تکاملی­تر از انقلاب اسلامی را خواهند داشت که به موقع متوجه موضوع انتقال در این مرحله شوند.امکان تعریف دفاع از انقلاب بدون توجه به موضوع انتقال مرحله سوم، البته باید گفت چنین دفاعی، یک دفاع سطحی و کم اثر است. اینک به سئوال ابتدایی خود باز می گردیم، جهت نظام جمهوری اسلامی چیست؟ نظام جمهوری اسلامی به دنبال تحقق شاخص­های اسلامی می باشد و در حال حاضر در مرحله ی سوم برای حذف سومین مانعِ تحقق این شاخص­هاست. حذف مانع سوم نیز وابسته به جدی گرفتن فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان جهت حرکت انقلاب در این مرحله می­باشد که باید به آن توجه کرد. سؤال دیگر این بود که تبیین مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی مبتنی بر چه چیزی است؟ یعنی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ در پاسخ به این سئوال باید گفت؛ نظام معادلات محقق کننده­ی مبنا را الگوی پیشرفت می­گوییم. پس الگو یک تعریف پیدا کرد که در آن جهت اصل و در جهت ،مبنا اصل است.با در نظر گرفتن مانع مرحله سوم انقلاب اسلامی تولید این نظام معادلات، از نقد توسعه بدست می آید. بنابراین برای تولید نظام معادلات حول مبنای انقلاب اسلامی می بایست به ضریب جینی[[1]](#footnote-1) یا به ایده­ی اول توسعه، بعد عدالت و ... حمله کنیم. آیت الله امام خامنه­ای فرمودند: تئوریسین­های اقتصادی به ما می­گویند اول توسعه بعد عدالت، اینجاست که من می گویم جای نوآوری است. همانطور که مشاهده می کنید ایشان در حال حمله به نظام نگرش­های جاده صاف کن برای توسعه غربی و نقد این نگرش­ها هستند. اقتصاددانان می­گویند اگر اول توسعه پیدا نکنیم و بخواهیم عدالت را اجراء نماییم، چیزی برای توزیع وجود ندارد که با آن عدالت را حکمفرما کنیم در نتیجه منجر به توزیع فقر می­گردد، این مفهوم را با تعابیری همچون هر چه کیک توسعه بزرگتر باشد سهم توزیع مردم به نسبت بزرگتر خواهد بود طرح می کنند، یا اینکه می­گویند اگر دولت به مردم یارانه بدهد، پول از بخش تولید خارج و به بخش بازار وارد می گردد، ورود نقدینگی به بازار به معنای افزایش تقاضا است و در نیتجه به معنای کاهش عرضه است و نهایتاً تورم می شود. آنها با این نگرش­ها به ارزشهایی مانند عدالت و مبارزه با ظلم و استکبار و ... حمله می­کنند. پاسخ ما این است که کیک توسعه ی آمریکا که از همه بزرگ­تر است، پس چرا سهم بزرگ بدست افراد جامعه­اش نمی­رسد؟ اگر که چنین سهمی به مردم آمریکا رسیده است پس قیام والستریت به چه دلیل به وجود آمد؟ بنابراین در نقد توسعه غربی نیز باید از نقد ذهنی شروع کرده و آن را به نقد نظام مفاهیم توسعه غربی برسانیم. زیرا ساختارهای کشور براساس مبنای توسعه کار می­کنند و در صورت عدم نقد توسعه، زمینه برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی مهیا نمی شود. گاه نقد را از ریشه­ها یعنی از مبانی فلسفی و روشی شروع می­کنیم. می­گوییم علت اعتقاد آنها به توسعه، بدلیل انسان شناسی آنها و تعریف آنها از انسان و جامعه و..است. این یک نوع تعریف و نقد است که به دلیل طولانی مدت بودن، کارآمد نیست. روش دیگر در نقد توسعه این است که برنامه­ها و ساختارهای توسعه را اصل قرار به نقد برنامه پنجم توسعه بپردازیم. اگر چه این فرآیند به نسبت نقد علمی و به لحاظ زمانی کوتاه­تر است، امّا به دلیل عدم ارتباط گیری مردم با چنین مفاهیمی و عدم توانایی خویش در شرایط فعلی برای مقابله با این جریان این شیوه نیز کارآمدی لازم را ندارد. اکثریت جریان­ها فعال در مسئله­ی الگو که متوجه تأسیسی بودن موضوع الگو هستند یا از نقد ساختارهای علمی شروع و یا نقدهای ساختاری شروع کرده­اند. امّا در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ، شروع نقد توسعه از ساختارهای ذهنی می­باشد. بنابراین برای نقد توسع غربی سه روش نقد پیش روی ما قرار دارد: نقد ساختارهای علمی، نقد ساختارهای عینی و نقد ساختارهای ذهنی. اینک به تعریف ساختارهای ذهنی می پردازیم. ساختارهای ذهنی در واقع نگرش­های قابل تفاهم با مردم هستند که باعث بسیج جامعه و مردم بر روی موضوعات مختلف میشوند، بدون آنکه مردم متوجه روش­های آنها باشند. به عنوان مثال روشنفکران با نگرشِ اول توسعه بعد عدالت ، مردم را به سمت توسعه جهت­دهی می­کنند و این کار را به وسیله ی تمثیل انجام می دهند نه با تفاهم بر روش­ها. بنابراین ساختارهای ذهنی به نگرش­هایی گفته می­شود که قدرت همراه سازی جامعه با خودش را داشته باشد. اگر چه ساختارهای ذهنی ریشه در ساختارهای عینی و علمی دارند، امّا بریده از آنها، مردم را بسیج می­کنند. مثلاً اقتصاددانی که با با مردم صحبت می­کند، به مردم نمی­گوید که یک اقتصاد­دان نهادگرا یا غیره است، زیرا در این صورت مردم او را همراهی نمی­کنند. بلکه با طرح نگرش ها و مثالهایی آنها را با خود همراه می­کند. حمله به توسعه غربی در حقیقت نقد این نظام نگرش­ها و شکستن آنهاست. برای به ثمر نشست هر تئوری، نیازمند جامعه همراهی مردم با آن تئوری می­باشیم. اگر با جامعه به و سیله­ی مبنای فلسفی و روشی صحبت کنیم، حتی اگر برنامه­ریزی­ها به صورت علمی انجام و به قانون تبدیل شود[[2]](#footnote-2) ارتباط با مردم بکلی قطع خواهد شد. از این رو متفکران توسعه غربی هم زمانی که می­خواهند با مردم ارتباط برقرار کنند و آنها را با یک موضوع همراه کنند، اقدام به نگرش­سازی می­کنند . نگرش یک چهارچوب ذهنی است که اگر جامعه آن چهارچوب ذهنی را بپذیرد، با جهت و تئوری مورد نظر شما همراهی می­کند. اقدام سی ساله حضرت امام خمینی و آیت الله امام خامنه­ای که نگذاشته­اند جهت انقلاب طی این سالها از دست برود، فقط به این دلیل است که مدام به نگرش­های ضد جهت انقلاب، حمله کرده­اند . این نگرش­های بسیج کننده جامعه در شورای راهبردی به عنوان ساختارهای ذهنی تعریف شده است. ایجاد چالش در نگرش­های موجود در جامعه برای حرکت به سمت توسعه غربی در واقع به معنای ایجاد فرصتِ نقد و حمله به ریشه­های علوم انسانی و توسعه غربی و در نتیجه حفظ جهت جامعه است. اگر بتوانیم، نگرش­های بسترساز توسعه غربی را به چالش بکشیم، یعنی توانسته­ایم بسیج شدن جامعه به سمت توسعه غربی را به چالش بکشیم و فرصت برای زدن ریشه­های توسعه غربی که نقد علوم انسانی است، به دست آورده و از این طریق هم جهت را حفظ کرده و هم توانسته­ایم ریشه­های توسعه غربی را مورد نقد قرار دهیم. لذا مکرر در نقشه راه از نگرش مانند نگرش­های ضد خانواده­، نگرش­های ضد برنامه­ریزی سخن گفته­ایم. نتیجه می­گیریم هر تئوری علمی و ساختار عینی یک نقطه وصل با جامعه دارد، زیرا جامعه باید برنامه­ی آن تئوری را بپذیرد تا آن تئوری محقق شود. نقطه­ی وصل تئوری­های علمی و عینی جامعه با مردم «ساختارهای ذهنی» یعنی نظام نگرش­ها می­باشند. اگر به نگرش­های بستر ساز توسعه غربی حمله کرده و آنها را بشکنیم، در واقع نگذاشته­ایم این جهت غربی در جامعه حاکم شود. ورود روشنفکران با یک نگرش جدید برای تغییر جهت جامعه به سمت توسعه غربی مستلزم مقابله دائمی ما با این نگرش­های ضد جهت انقلاب می باشد. نکته قابل توجه این است که هر چه نگرش­های ذهنی ضد جهت جامعه مورد حمله قرار بگیرند، فرصت برای اصلاح ریشه­ای ساختارهای علمی و عینی پیدا می­شود. در این صورت یعنی هم جهت را حفظ می­شود و هم فضا برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی پیدا خواهد شد. پس اگر بخواهیم به وسیله­ی جهت، کاری انجام دهیم، باید نگرش­های جدیدی هم ایجاد کنیم. شاه مهری اصلی برای امداد امام زمان توسط دو علمدار انقلاب[[3]](#footnote-3) نگرش سازی توسط ایشان بوده است. به عنوان مثال در شاخص امنیت به وسیله­ی ایجاد بسیج توسط حضرت امام خمینی جهت را توانستند حفظ کنند. اگر چه بسیج دارای ریشه علمی نیست، امّا توانست کارآمدی خود را در مقابل ساختارهای نظامی که برمبنای دافوس بود، نشان دهد. در صورت اصل بودن جهت برای انقلاب اسلامی سه چیز در ضدیت با جهت حرکت می­کنند؛ ،ساختارهای علمی ضد جهت انقلاب حرکت می­کنند، برنامه­ریزی مبتنی بر ساختارهای علمی هم حرکتی ضد جهت انقلاب اسلامی دارند، ساختارهای علمی موجود نیز یعنی نگرش­های بسترساز توسعه غربی نیز ضد جهت انقلاب اسلامی می باشند. کنترل حلقه­ی آخر ساختارها، یعنی ساختار ذهنی به معنای ایجاد فرصت برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی در عقبه است. در واقع نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، بیست و هفت مأموریت برای شکستن نگرش بسترساز برای تحقق فرآیند مدرنیزاسیون و بیست و هفت مدخل برای تئوریزه کردن نگرش­های متناسب با جهت انقلاب، می­باشد. بنابراین تنها با تعریف علمی یا عینی به هیچ عنوان توانایی تعریف انقلاب را نداریم. برای تعریف انقلاب نیازمند کنترل ساختارهای ذهنی و ایجاد ارتباط با مردم برای ایجاد تفاهم عمومی درباره تئوری خود در اداره جامعه هستیم. به طور مثال در قضیه­ی هدفمندی یارانه به دلیل ایجاد نگرش مثبت در بین مردم، با اینکه هجمه ی زیادی به این طرح شد، مردم به راحتی همراهی کرده و کشور به چالش کشیده نشد. سی سال است که انقلاب بوسیله ی ساختارهای ذهنی توانسته است، مقابل استکبار بایستد. البته هردو پرچمدار انقلاب ساختارهای ذهنی را کنترل کرده و مدام اقدام به اصلاح ساختارهای علمی و عینی کرده­اند. شکستن ساختارهای ذهنی جامعه به نفع اسلام توسط ایشان زمینه­ی مشارکت برای ساختارهای علمی و عینی ایجاد می­کنند. امام خامنه­ای مکرر فرموده اند: «هرجا ساختارهای­مان اشکال داشته باشد ،آنها را اصلاح می کنیم». در واقع نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، یک نقشه راه برای ایجاد ساختارهای ذهنی متناسب با جهت حرکت انقلاب و ایجاد فرصت برای اصلاح و ساخت ساختارهای عینی و علمی می­باشد.

1. . که از مفاهیم مدرنیته و در تعارض با شاخصه های اسلام است. [↑](#footnote-ref-1)
2. . یعنی تغییر ساختارهای عینی [↑](#footnote-ref-2)
3. . حضرت امام خمینی و آیت الله امام خامنه­ای [↑](#footnote-ref-3)